**مقایسه هویت زنان و بایسته های آن در دیوان پروین اعتصامی و حاذقه هروی**

**مهدی محمدی[[1]](#footnote-1)، زینب رحیمی[[2]](#footnote-2)**

**چکیده**

برای جوامعی که در گذر از سنت به مدرنیته هستند، هویت زنان به عنوان بخش مهمی از چالش های اجتماعی محسوب میشود. بخش از این چالش ها را میتوان در متون تاریخی رسمی دنبال کرد اما بخش اعظمی از این چالش های اجتماعی در متون ادبی است که انعکاس دهنده روحیات و خواسته های اجتماعی است. این دوره گذار در ایران مصادف با دوره قاجار و اوایل پهلوی است و در افغانستان از دوره امان الله خان تا آخر دوره ظاهره شاه به وضوح مشاهده میشود. مسئله هویت زنان امری بود که در این کشور در دوره گذار به طور جد مورد توجه بود این پژوهش به دنبال بررسی تفاوت ها و شباهت های هویت زنان در این مقطع از تاریخ در دوره گذار است. بر اساس یافته های این پژوهش از آنجایی که جامعه ایران توانسته بود بافت شهری بیشتری نسبت به افغانستان ایجاد کرده و زمنیه های پذیرش مدرنیته را بیشتر فراهم آورد، هویت زنان در شعر پروین با چالش های کمتری مواجه است در حالی که افغانستان در دوره ای که هنوز با مسائل متعددی در مورد بازسازی کشور و گذر از مدرنتیه مواجه است، چالش های بیشتری را در شعر حاذقه میتوان یافت.

**واژگان کلیدی:**

پروین اعتصامی، حاذقه هروی، هویت، زن، ایران، افغانستان

**مقدمه:**

تاریخ معاصر افغانستان و ایران شاعران بزرگ زن را به خودش دیده که از آن جمله می توان به پروین اعتصامی و حاذقه هروی اشاره کرد. حاذقه در سال ۱۳۰۰ش در خانواده دهقان و بی سواد و پروین اعتصامی در سال ۱۲۸۵ ش در خانواده مرفه و با سواد متولد شدند. هرچند فاصله زمانی کمی در بین این دو شاعر وجود دارد، اما در جامعه های متفاوت با فرهنگ های متفاوت زیست نمودند. این باعث شد هر یک نظر به جامعه خود شعر بسراید. مسایلی بیشتر در شعر آنها مورد توجه قرار گرفته که پیشتر مورد توجه نبوده و یا کمتر به آن پرداخته شده بود. یک از این مسائل، هویت زنان و چالش ها ی زنان بود. از آنجایی که هویت در تعامل با خود آگاهی از خود و جامعه تعریف میشود، دغدغه اصلی این دو شاعر، بی سوادی زنان و تاثیر آن در جامعه بود. هر دو شاعر نسبت به اصلاح ساختارهای اخلاقی جامعه، با تکیه‌بر دین و فرهنگ اسلامی به تغییراتی تاکید داشتند که توسط مدرنیته ایجاد شده بود و این باعث شده تا با نگرشی اصلاحی و نگاهی دقیق، درد جامعه خویش تشخیص دهند و برای درمان آن، علم آموزی را درقالب پند و اندرز تجویز کنند. ازاین‌جهت تقوی، پاکی، راستی و درستی، علم‌اندوزی، هنر ورزی و امثال این‌ها در انسان به‌عنوان موجود مستعدی که تحت تأثیر آموزش و تعلیم تربیت می‌توانند مشکلات جامعه را برطرف سازند. از نظر این دو شاعر، اموزش زنان نقش مهمی در باز تعریف هویت انها داشت. این امر به صراحت در اشعار حاذقه و به قرائن در شعر پروین اعتصامی قابل بررسی است.

همین مسئله باعث شد که ما در این پژوهش به این سوال پاسخ دهیم که چه شباهت ها و تفاوت هایی بین دیوان حاذقه هروی و پروین اعتصامی در مسئله هویت زنان وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال سوالات فرعی زیر مطرح میشود:

عوامل تفاوت دیدگاه دو شاعر در مورد هویت زنان چیست؟

رابطه بین هویت و آموزش زنان در شعر این دوشاعر چیست؟

دلیل بی‌سوادی زنان و تبعات آن و نقش آموزش زنان در بهبود جامعه را چه می‌دانستند؟

حاذقه و پروین زنان را اساسی‌ترین عناصر جامعه می دانستند که نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار جامعه دارند. بنابر مهم بودن نقش زنان، آنها را به آموختن علوم جدید و دانش های سنتی تشویق میکردند.

به نظر میرسد مهمترین عامل تفاوت این دو شاعر در مورد آموزش زنان، خواستگاه اجتماعی آنها باشد.

تصورات هویت زن نزد حاذقه و پروین متفاوت می باشد. چنان که پروین بیشترین تاکید بر هویت سنتی که مادر شدن و تربیت فرزندان می باشد است. اما حاذقه برعلاوه تاکید بر مادر شدن و تربیت فرزندان، به اصل وجود زنان در توسعه کشور همانند مردان، تاکید بر آموزش کرده است و وظیفه زنان را مختص به خانه و مادر بودن نمی داند.

این دو شاعر آداب و سنت ها، باور ها و اعتقادات دینی و مذهبی و برداشت های نادرست از آنها و بی سوادی پدران و مادران را از جمله دلیل بی سوادی زنان می دانند. این دلایل سبب تداوم جهالت و ظلم به زنان میشود. تنها راه رهایی از این وضعیت و داشتن یک هویت مستقل، علم و دانایی زنان می‌دانند.

برای آزمون این فرضیات دو دیوان شاعر مورد مقایسه قرار گرفته اند. از این رو این پژوهش از روشی توصیفی – مقایسه ای بهره برده و برای ریشه یابی تفاوت های موجود، زمینه های اجتماعی دو شاعر را بررسی کرده است. در این قسمت پژوهش بافت محور(Contextual) میباشد. زیرا با وجود دغدغه ای یکسان برای هر دو زن شاعر، این دغدغه در کمیت و کیفیت بسیار تفاوت داشت که میتوان آن را در زمینه های اجتماعی آنها بررسی کرد.

طبق بررسی‌های که انجام‌شده، در کتابهای، زنان سخنور از علی اکبر مشیر سلیمی، شعر زنان در افغانستان به کوشش مسعود میرشاهی، کتاب زنان سخنسرا در پویه ادب دری با تألیف عطا، کتاب زنان شاعر پارسی گوی؛ هفت شهر عشق از مهری شادمانی شاه حسینی، دانشنامه ادب فارسی از حسن انوشه، کتاب گلزار جاویدان از محمود هدایت و زنان در افغانستان «فرصت ها، چالش ها و راهکارها» از محمد آصف محسنی(حکمت) به شکل مختصر در باره زندگی حاذقه و به بعضی از اشعارش اشاره شده است. اما به شکل منسجم در سال ۱۳۹۸ ش کلیاتش به همت عفت مستشارنیا تصحیح و به چاپ رسید.

 کتاب زنان سخنور از صحفه ۱۰۶ تا ۱۱۲ این کتاب مختص به حاذقه شد. معلومات این کتاب از روی سر گذشتی عبدالرئوف بینوای که در تذکره خود( پشتنی میرمنی) بزبان پشتو از حاذقه نوشت است، می باشد. «حاذقه در هفت سالگی شروع به مکتب رفتن کرد و پس از پایان تحصیلات ابتدائی با ادامه تحصیل پرداخته، ادبیات پارسی و عربی و انگلیسی، فقه و اصول و حدیث را آموخته و به بعضی اشعار و مشاعره حاذقه با آقای شایق را آورده است» همچنان در صحفه ۳۰۸ کتاب دانشنامه ادب فارسی از حسن انوشه نیز به این مسله آموزش اش پرادخته شده اما در این دو کتاب در باره چگونه کی فراگیر این علوم را ذکر نکرده است. آیا این فراگیر علوم و زبان به کمک خانواده، مکتب، استادان یا متکی به استعداد خودش بود.

همچنان که در کتاب زنان سخنسرا در پویه ادب دری، درباره حاذقه و خانواده شان می نویسد: حاذقه در سنین کودکی و نوجوانی در مدارس هرات و نیز تحت نظر پدرش با ادبیات دری و عربی و همچنین زبان انگلیسی آشنا شد. همچنان دو آثار حاذقه، کتاب« حیات سوزان» و «همکاری ملت» را از مهم ترین تالیفات اش ذکر کرده است.(عطا،۱۳۶۵؛ ۱۲۲) ولی عطا برای استناد این متن خود، سندی را به عنوان ارجاع ارایه نمی کند. اما در صحفه ۲۳۴و ۲۳۷ کلیات حاذقه در متن که در سال۱۳۴۱/۱۰/۲۷ توسط حاذقه نوشته شده، یاد آوری می کند که اگر پدر و مادرم سواد می داشت، واضح بود که مرا الی سن ۲۲ شوهر نمی داند. همچنان خود را دختر دهقان خودآموز ذکر می کند.همچنان در این کلیات از دو آثارش« حیات نسوان» و« تذکره بانوان» ذکر شده که می توان گفت شاید حیات سوزان همان حیات نسوان باشد، اما همکاری ملت ممکن است از همان اثار های حاذقه باشد که در کلیات از آگاهی نداشتن آنها یاد شده است.

همچنان در دانشنامه ادب فارسی، ذکر شده که حاذقه چندین جایزه بابت سروده هایش دریافت کرده است. در سال ۱۳۲۵ ش. سپه سالار­ غازی سی هکتار زمین کشاورزی به وی پیشکش کرد.(۳۰۸) در صورت که خود حاذقه چندین بار در نامه ها و نوشته ها و حتی در چندین اشعارش از بی توجهی دولت به شعرو شاعری خودش بیان کرد است.(ر.ک. حاذقه،۱۳۹۸: ۲۸۷-۲۸۸: ۲۴۷، ۲۲۸، ۳۲۶-۳۲۷، ۲۱۴-۲۱۷، ۹۲)

همچنان در صحفه ۴۳ کتاب زنان در افغانستان «فرصت ها، چالش ها و راهکارها»، حاذقه را بخاطر علم و دانش که برخوردار بود. از جمله زنان متعلق به خانواده های مرفه میداند. چنان که خود حاذقه برعکس این را بیان نموده است.(همان،۲۳۴، ۳۲۶-۳۲۷)

اما تحقیق مشخص به شکل مقاسیوی بین این دو شاعر در باره زنان و هویت زنان صورت نگرفته، اما می‌توان مقالاتی را یافت که با مسئله این مقاله مرتبط بوده و به بررسی و تحقیق در آثار سایر زنان شاعر فارسی‌زبان پرداخته‌اند؛ که در اشعار پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد که از شاعران زن معاصر فارسی‌زبان هستند، می‌توان به بررسی گرفت.

مثلاً: مقاله تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی نوشته مریم صادقی گیوی و بهاره پرهیزکاری، زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد نوشته طاهره سید رضایی، نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌ی پروین اعتصامی نوشته ابوالفضل ذوالفقار و مسلم میرزایی، خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی نوشته مریم السادات اسعدی فیروزآبادی، ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه پروین اعتصامی و قاسم امین مصری نوشته فاطمه مرادی و رضا سمیع زاده، جنسیت در شعر پروین اعتصامی نوشته مهناز سادات حسینی، مقایسه ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی نوشته زهره جعفری و عبدالله نصرتی و ... .که در این مقالات به هر یک به زنان و نقش آنان، ازادی زنان، برابری زنان و غیره ذکر شده اما خیلی اندک به آموزش زنان پرداخته شد. در صورت که تمام آزادی، برابری را فقط با آموزش زنان و آگاهی زنان حاصل می شود.

این سه شاعر فارسی‌زبان ایرانی تقربیا در ‌زمان نزدیک به هم زیست کردند. تفاوت های در نظریاتی شان وجود دارد، مانند اینکه پروین اعتصامی، عقیده داشت: (برتری انسان چی زن، چی مرد در داشتن هنر، گوهر تعلیم و تربیت، فضل، عرفان، قناعت، پرهیزگاری و پاکی است؛ همچنان نقصان انسان، در بی دانشی آنها است.)(مرادی و سمیع زاده، ۱۳۸۵، ۴۴).

و سیمین بهبهانی به این عقیده است. (شرایط اجتماعی را در موقعیت نامناسب زنان مؤثر و مقصر می‌داند برابری زن و مرد را نیازمند آگاهی ذهنی و تعدیل پاره‌ای قوانین و تدوین قوانین تازه است و اگر در جامعه‌ای شرایط نامساعدی حکم‌فرما باشد، گمان می‌کنم که زن و مرد هردو به یکسان و به یک اندازه گرفتار رنج باشند. دلیلی نیست که زنان را مظلوم‌تر و ستم‌کشیده‌تر قلمداد کنیم. به هر صورت من مردها را محکم نمی‌کنم گناهی اگر هست از جهت قوانین و سنت‌ها و طرز تربیت افراد هست و گمان ندارم که مرد آن ذاتاً بدخواه یا دشمن زنان باشند.)( سید رضایی، ۱۳۸۹، ۱۰۷)

اما فروغ در هیچ اشعارش مستقیماً به لزوم آگاه شدن زنان، روی آوردن آنان در علم و دانش و... اشاره نمی‌کند بلکه در این زمینه شیوه‌ای غیرمستقیم را در پیش می‌گیرد. او که خود یک سر تحول را پشت سر گذاشته ابتدا با تأکید بر جنبه‌های زنانه زن و یادآوری خاطرات تلخ زندگی خود و به‌طورکلی انتظارات یک‌بعدی و نامعقول جامعه آن روزگار از زن، به تبیین جایگاه زنان در جامعه عصر خویش پرداخته می‌گوید:

« به او جز از هوس چیزی نگفتند در او جز جلوه ظاهر ندیدند

به هر جا رفت در گوشش سرودند که زن را بهر عشرت آفریدند»

سپس در دفترهای شعری بعد با کشف ماهیت واقعی انسان و ابراز وجود به‌عنوان یک انسان آگاه، عملاً پیام‌آور این نکته می‌شود که اهمیت وجود زن در جامعه به نوع نگرش، تفکر و شعور فردی و اجتماعی او بستگی دارد و آزادی حیات واقعی یک زن و به‌طورکلی انسان در بیان آزادانه افکار و اندیشه‌های اوست نه در آزادی‌های ظاهری.

« و بدین‌سان است/ که کسی می‌میرد/ و کسی می‌ماند/ هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد/ مرواریدی صید نخواهد کرد.» (ر.ک. جعفری، نصرتی، ۸۸- ۸۹)

 این تفاوت ها نشان‌دهنده این هست که اوضاع اجتماعی و خانوادگی مختلف و علایق متفاوت تفاوت‌های را در اشعار آن‌ها ایجاد کرده است. پس می‌توان گفت، تفاوت‌های نیز در اشعار پروین اعتصامی با اشعار حاذقه هروی که انقریب در عین زمان، اما در مکان، جامعه و خانواده متفاوت زیست کردند، وجود دارد. متاثر از جامعه و خانواده شان می باشد. بیشترین چیزی که حاذقه را متمایز می‌کند این است که بیش از پروین اعتصامی به آموزش به‌عنوان کلید نجات زنان و پیدا کردن هویت جدید، اهمیت می‌دهد. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که روند تحول هویت مدرنیته در جامعه ایرانی نسبت به افغانستان سریع‌تر طی شده و زنان فرصت بیشتری برای ایجاد هویت مستقل داشتند. چنان‌که زنان شاعر ایرانی مانند این سه شاعر همه در خانواده تحصیل‌کرده و خود آن‌ها نیز از زنان تحصیل‌کرده و فاضل عصر خود به شمار می‌رفتند. اما حاذقه یک دختر خود آموز، در یک خانواد دهقان و جامعه یی برزگ شده که علم و دانایی از هیج اهمیتی برخوردار نبود.

چنان که منابع دست اول که در این تحقیق مورد استقاد قرار گرفته دیوان پروین اعتصامی و حاذقه هروی می باشد. اما دیوان پروین اعتصامی در زمان حیات وی در سال ۱۳۱۴ به همکاری و تصحیح پدرش و اساتیدی وی تصحیح و به چاپ رسید. همچنان تحقیقاتی زیادی در مورد خودش و اشعارش صورت گرفته است. بنابر این امکان کم و کاستی بسیار کم وجود دارد. برعکس دیوان حاذقه هروی مجموعه ای از اشعار و نوشته های است که خود در سال ۱۳۴۱ش از میان اثارش برگزیده و به قصد اصلاح و چاپ در کابل برای آقای بینوا فرستاده است تا اینکه بعد از چندین سال خفا در ۱۳۹۸ ش به همت خانم مستشانیار تصحیح و به چاپ رسید. هیچ تحقیق در باره وی و دیوان اش صورت نگرفته بنابر این احتمال کشف اسنادی وجود دارد که زندگی حاذقه هروی را روشن تر کند.

**زندگی‌ و شرایط سیاسی اجتماعی حاذقه هروی**

حاذقه هروی زن شاعر افغانستانی، نام اصلی حاذقه کشور و نام پدرش محمد عثمان فرزند رستم از قوم بردرانی، نام مادرش همدم، دختر محمد جان از قوم علیزایی بود. در ۲۹ محرم ۱۳۴۰ قمری، ۱۰ مهر ۱۳۰۰ش، در هرات که یکی از کانون‌های فعال فرهنگی و ادبی آن زمان بود، زاده شد. بنابر نوشته هایش، دختر دهقان و خودآموز بوده و در سال۱۳۵۹ق، ۱۳۱۹ ش با آقای منیری که از خانواده اهل ادب که در شعر سرای اشنایت داشته، ازدواج کرد. می‌توان گفت که حاذقه در سال‌های بعدی به مدرسه‌رفته و از تعلیمات رسمی برخوردار شده است که همین تحصیلات رسمی و قانونی در دروه بعدی زندگی وی، راه را برای ورود او به‌عنوان معلم در مدرسه مهری هرات بازکرده. (ر.ک. حاذقه هروی، ۱۳۹۸؛ ۲۳۴-۲۳۷)

 زندگی حاذقه مصادف با دورانی بود که تغییرات زیادی در ساحات مختلف مردم افغانستان به خصوص زنان اتفاق افتاد. این اتفاقات که محصول اصلاحات ظاهر شاه بود، در ادامه روندی از اصلاحات مدرنی که از زمان امان الله خان از سال ۱۹۱۹م آغاز شد و در دوره ظاهرشاه شدت بیشتری گرفت. نمیتوان از نقش او در ارتقا جایگاه زنان در افغانستان چشم پوشید( ر.ک. غبار، ۱۳۷۸: ۲/۹۰-۸۳).

پیش از ظاهر شاه، امان الله خان اصلاحاتی در زمینه، آزادی زنان و آموزش زنان دست زده بود(ر.ک. ناصری داوودی، ۱۳۷۹: ۲۰۸- ۲۲۰).اما این اصلاحات توسط پادشاهان بعدی افغانستان پیگیری نشد و انقطاعی در روند رشد آزادی زنان ایجاد گردید. این مسئله در دوره ظاهر شاه که از سالهای ۱۳۱۲تا ۱۳۵۲ش در مسند قدرت بود با شدت بیشتری پیگیری شد. ظاهر شاه توانست زمینه فعالیت و آموزش را برای جامعه مهیا نماید. چنان که در زمان امان الله خان اصلاحات با مخالفت گروه های محافظ کار مواجه گردید اما در زمان ظاهر شاه این شکاف های طبقاتی و جنسیتی به آن شدت نبود. با این حال میتوان جریان های معارضی را حتی در این دوران مشاهده نمود که در برابر جریان اصلاحی مقاومت می نمودند. یکی از این جریان ها، مذهبیون و متحجرانی بود که عرصه را برای فعالیت ها و حضور زنان در جامعه تنگ کرده و یکی از مشکلات اساسی مدرن شدن زنان که از نظر حاذقه تعلیم و تربیت بود، محسوب می شد. حاذقه تلاش هایی برای مصالحه و مقابله با افکار آنها انجام داد.وی به این نتیجه رسیده بود که یگان دلیل پیشرفت جامعه با پیشرفت و آگاهی زنان صورت می گیرد. اما این جانب‌داری او از باسوادی و آگاهی دختران، اعتراض و انتقاد شدید او به خاطر عدم توجه به این امر احتمالاً موجب شده که وی مورد اعتراض محافظه‌کاران و سنت‌گرایان قرارگرفته باشد و به این امر متهم شده باشد که وی طرفدار آزادی مطلق زنان است. چنان که خود در اشعار خود بیان می کند.

ای کسانی که به من طعنه بی‌جا زده‌اید طبل بدنامی من را به هویدا زده‌اید

روز و شب زخم قلم را به دل ما زده‌اید تیر نخوت ز ابا پردل ما زده‌اید \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

به حالات وطن بنگرزعیب ما سخن می گوی به اطراف جهان می بین، ره بهترازاین می‌پوی

ز رفتار بطی و حالت و اوضاع ما می گوی برای چاره این درد بی‌درمان دوا می‌جوی

زبانت هست باز و نیست خصم و دشمن جانت بکن فکری که درد ما بود محتاج درمانت

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۹۶)

در شعر دیگر خود حاذقه به خوبی آزاد خواهی خود را بیان می کند و برای رفع سو تفاهم و تصحیح اذهان مردم بیان می کند، من طرفدار آزادی مطلق زنان و دختران نیستم، و... .

من نمی‌گویم که نسوان از ادب بیرون شوند خودسرانه رهسپار دامن هامون شوند

آرزو دارم که هریک صاحب مضمون شوند در پی لیلی چو مجنون از خرد بیرون شود

خواهم از جهل و ندم دست اطاعت برکشند از میان فقر و فاقه رو به ثروت آورند

 \*\*\* (حاذقه هروی،۱۳۹۸:۲۶۱)

در این دوره برعلاوه از سرگیری فعالیت مکاتب با تصویب قانون اساسی جدید و اجباری گردیدن مقطع تحصیلی ابتدایی، زمینه آموزش دختران در افغانستان بیشتر فراهم گردید. مکاتب دخترانه از شهر کابل پا فراتر گذاشته و به سایر ولایات نیز رسید. از آن جمله مکاتب، مکتب مهری هرات که حاذقه در آن مشغول تدریس بود می باشد. در این زمان بود که اولین فارغ التحصیلان مستورات به حیث معلم جذب مکاتب دخترانه شدند و دختران برای بار دوم به بورسیه های کشورهای خارجی اعزام شدند. .( ر.ک. جاوید1383: 103-104، موسوی 1388: 34)[[3]](#footnote-3)

 از این رو دوران زندگی حاذقه (۱۳۰۰تا۱۳۴۱ش) مصادف با نهضت اصلاحی ظاهر شاه بود این تغییرات تاثیر زیادی بر نگاه این شاعر زن افغانستان نسبت به زنان داشت.

حاذقه با صراحت لهجه و شجاعت اخلاقی خود توانست، گزارش احوال خود، خانواده، همسر و زنان، مردان جامعه، هنجارها و ناهنجاری‌های شهرودیار کشورش مطابق با واقع و به‌دوراز انواع حدس و گمان ارایه کند. وی را زن واقع‌بین و با آرمان‌های بزرگ، ترقی‌خواه، دانش‌پرور، خانواده‌دوست، آزاده، تیزبین، آگاه می‌یابیم. زنی با رسالتی بزرگی برای بیداری و آگاهی و آموزش تعلیم و تربیت دختران که مادران آینده کشورند می‌بینیم که از این منظر با دیگران به‌ویژه با زنان شاعر و نویسنده هم روزگارش و روزگاران پیشین قابل‌مقایسه نیست. (مستشارنیا،۱۳۹۸: ۲)

شعر حاذقه، شعری روان، ساده و عام فهم می باشد. از منظر محتوا شعری هست متعلق به زمان و جامعه آن شاعر و موضوع پربسامد او، توصیف سیمای زنان و دختران و مردان روزگار اوست. که اندیشه و احساس زبان و بیان او را به خود مشغول داشته است. واقعه‌های چشم دید خود و اوضاع زنان و دختران جامعه را بدون هیچ ترسی بیان کرده و دردهای، رنج‌های که دختران در آن زمان می‌کشیدند، با تمام حس همدردی و حس مسئولیت‌پذیری ذکر نموده است. بنابر این مسولیت پذیری حاذقه با مطالبه حقوق زنان در اشعارش، باعث ایجاد انگیزه و شجاعت در دیگر زنان برای احقاق حقوقشان شد. با مطرح کردن اهمیت زنان در آینده وطن، از زنان شاعر خواستار دفاع از حقوق شان با شعر نویسی نمود.

حاذقه تبلیغ می‌خواهد ز جمع شاعران تا از این معنی به مکتب جمع گردند دختران

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۲۶۱)

شاعران جمع شده حق زنان می‌خواهد از زنان مصلحت ونطق و بیان می‌خواهد

از زنان آتیه اولاد جوان می‌خواهد از صناعت و زنان جنس گران می‌خواهد

قصد دارند که زن‌ها همگی زنده شوند به وطن جاهد و زیبنده و پاینده شوند

 \*\*\* (حاذقه، ۱۳۹۸:۲۷۰)

اندرین دعوت همی‌خواهم که اهل معرفت در دخول دختران از کس نخواهد معذرت

نیست زین بهتر به این عصر اتومی مصلحت ا ندرین معنی نباید کرد باکس مشورت

نیست با نسوان به‌جز علم و صناعت رهبری راه بهبودی به‌جز این نیست فکر بهتری

 (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

**زندگی و شرایط سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی**

 علی رغم که پروین اعتصامی قبل از حاذقه زندگی میکرد اما اطلاعات بیشتری از وی نسبت به حاذقه است. پروین اعتصامی شاعر بزرگ ایرانی در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در شهر تبریز دیده به جهان گشود. پدرش یوسف اعتصامی بود که از محققین، مترجمین و نویسندگان نامی عصر خویش بشمار میرفت. پروین ابتدا ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخت و سپس تحصیلات خود را در مدرسه امریکایی دختران ادامه داد.(عطا، ۱۳۶۵: ۱۰۲)

در سال ۱۳۱۲ با پسر کاکای پدرش ازدواج کرد. اما پس از دو ماه و نیم زندگی مشترک از همسرش جدا شد و به تهران بازگشت. در فروردین ۱۳۲۰ در سن ۳۵ سالگی به بیماری حصبه در گذشت. پروین که به مدد تربیت درست و آموزش های جامع و همه جانبه نزد پدر در خانه و معلمان در مدرسه های گوناگون، انچه را بایست از کودکی فرابگیرد، با خود داشت، توانست با همنشینی پدر ادیب و شاعرش با ادبیان و شاعران روزگار خود مانند دهخدا، نصرالله فلسفی، رشید یاسمی و دیگران این آموخته های ارزشمند را در روزگاری که پا بیرون نهادن دختر از خانه هم چنان کاری نادرست و نشان کم حیایی و بی آزرمی تلقی می شد به شکل شعر در آورده و به دوستداران ادب پارسی عرضه کند.(ر.ک. اعتصامی، ۱۳۸۸ ،۲۴)

چنان که مردم ایران همچنان مانند مردمان دیگر کشورهای که برای مدرنیته شدن مشکلاتی را متحمل شدند، نیز تجربه کردند. در زمانی تولد پروین و قبل از تولدش، زنان ایران با مشکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی رو برو بودند. چنان که دو ماه قبل از تولد او مقارن با روزی که مظفرالدین شاه قاجار، قانون مشروطه را امضا کرد، تقاضای یکی از فعالان حقوق زنان از مجلس جهت حمایت حکومت از تاسیس مدارس دخترانه، رد شد. اما با تلاش پی در پی روشنفکران و فعالان حقوق زن، تعلیم و تربیت زنان منحصر به خانه داری و امور خانواده اعلان شد. ولی اجازه دخالت زنان در امور اجتماعی و سیاسی را نداد. اما بعد مشروطیت و به قدرت رسیدن رضا شاه پهلوی در سال۱۳۰۴ خورشیدی، اوضاع زنان رو به بهبود قرار گرفت.( السادات میرهادی، ۱۳۹۳، ۲۰۲)

اما بازم کشمکش های برای آزادی و برابری دختران در جامعه پروین وجود داشت. چنان که از اشعار وی نمایان است. اما می توان گفت تفاوت عمده که در اشعار پروین و حاذقه وجود دارد، ادبیات که این دو شاعر در اشعار خود استفاده کردند که اشکارا مقام و جایگاه آنان را بیان می کند. پروین که در خانواده روشنفکر و ثروتمند بزرگ شد و چنان که قبلا نیز یاد آور شدیم، نشست و برخاست زیادی با شاعران و دانشمندان بزرگ داشت که تاثیراتی فراوانی در ادبیات اشعارش داشت. این باعث شده پروین شعر هایش علمی و ادبی باشد. بیشتر حس می شود اشعار وی برای ادیب ها و جامعه طبقه بالا است تا اینکه همانند اشعار حاذقه برای مردم عام باشد. چنان که حاذقه با ادبیات بسیار عامیانه، محرومیت های زنان و مشکلات جامعه پایین را با صراحت بیان می کند.

**هویت زن از دیدگاه این دو شاعر**

از دید این دو شاعر زنان باید دارای دو مبنای هویتی باشند. هویت سنتی و هویت مدرن. ویژگی های زن سنتی عبارت از مادر و همسر که شامل وفاداری، پایداری، مهربانی، عفت و پاکدامنی و شفقت، و ویژگی زن مدرن عبارت از اصالت فکری، مستقل بودن، استقلال اقتصادی، تعامل و همکاری می باشد. حاذقه و پروین داشتن هردو هویت را تاکید می کنند. حاذقه و پروین هر یک تلاش داشتن که در جامعه های سنتی خود شکاف های از بین ببرند که در بین زن سنتی و زن مدرن وجود داشت. از یک سو آسیب های زنان در جامعه سنتی مانع از رشد آنها میشد که بخش مهمی از آن ریشه در بی سوادی آنها داشت و از سوی دیگر خوانشی ناقص از مدرنیته بحران هویتی جدا شدن از اصول اخلاقی سنتی رابه دنبال داشت. از این رو این دو شاعر زن مشترکا راه برون رفت از این مشکل را در آموزش و تربیت می دانستند که هم اصول اخلاقی را استوار تر کرده و هم با کسب دانش جدید بتوانند برای تربیت بهتر فرزندان و ارتقا سطح جامعه بهره گیرند.

**دلیل بی‌سوادی دختران ازنظر حاذقه و پروین اعتصامی**

هرچند در دور زندگی این دو شاعر، شاهد تغییرات عمده ای در عرصه های مختلف بودند که ناشی از پیامد های برخورد افغانستان و ایران با دنیا مدرن می باشند. آغاز تغییرات در وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان نیز یکی از مسائل این دوره است. زن ها در فرهنگ سنتی هردو کشور، وظیفه خانه داری بود، اما در عرصه فعالیت های اقتصادی و تامین معاش بود، بروز و ظهوری نداشتند که در نتیجه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی دچار مشکلات و ضعف و حتی انحطاط شده بودند. اما به مرور زمان ورودی این دو کشور به دوران تمدن مدرن و آغاز حرکت افغانستان و ایران به سوی مدرنیزاسیون، به تدریج نخبگان جامعه مثل حاذقه و پروین، نسبت به مسایل عمده کشور خود آگاهی یافتند که باعث عقب افتادن جامعه آنها از قافله پیشرفت بود. یکی از عمده ترین مشکلات هردوی کشور، وضعیت ناگوار آموزش بود. چنان که بیشترین مردان از نعمت سواد محروم بودند، چه برسد به زن هایی که در فضای بسته خانه به سر می بردند. لذا این دو شاعر در جامعه خود شروع به آگاهی مردم از آموزش و نتایج آن در جامعه نمودند.

چنان که بر اساس اشعار این دوشاعر، عمده ترین دلایل بی سوادی دختران و زنان جامعه افغانستان و ایران، فرهنگ مرتجع و خوانش متحجرانه از دین بود. از آنجایی که هر دو کشور سابقه تاریخی زیادی در ایجاد و توسعه آموزش مدرن برای عموم مردم نداشتند، عمده دلیل بی سوادی زنان را در آن مقطع میتوان عدم وجود زیر ساختهای آموزشی دانست. با وجودی که این مسئله برای پروین دغدغه است اما نسبت آن به اشعار حاذقه بسیار کمتر است. زیرا در آن زمان، فعالیت های مهمی در زمان قاجار و پهلوی اول در ایران انجام شده که افغانستان از آنها بی بهره بود و در زمان ظاهر شاه در افغانستان هم با تاخر زمانی و هم با کیفیتی نازل تر این اصلاحات انجام شد. طبیعتا شاعری چون پروین که از طبقه ای نسبتا مرفه و در جامعه ای پیشرفته تر است و خود تحصیلات عالیه دارد این مشکل برای او به مراتب کمتر از زنی تجلی دارد که خود تحصیلات رسمی ندارد، درجامعه ای عقب افتاده زندگی میکند و بحران هویتی زنان به مراتب بیشتر از بحران هویت زنان در ایران است. از این رو در شعر حاذقه میتوان به دقت و جزئیات بیشتری با این مشکلات و راههای رفع آن از طریق آموزش برخورد. علاوه بر این تفوق مذهب شیعه در ایران و عدم نگاه متحجرانه آنها نسبت به علمای سنی مذهب افغانستان نیز سبب شد تا دلایلی که به کرات در شعر حاذقه ذکرشده در شعر پروین کمتر باشد.

**آداب و رسوم نادرست**

آداب و رسوم از مهم ترین عوامل اجتماعی است که رفتار وعملکرد انسان را در جامعه شکل می دهد. هر جامعه دارای آداب و رسوم درست و نادرست می باشد. بنابر این افغاانستان و ایران همچنان دارای آداب و رسومی نادرستی بودند که مدت طولانی حاکم بود. هر چند برخی از این آداب و رسوم حاکم نه تنها هیچ ارتباطی با آموزه های اسلامی نداشت، بلکه ریشه های متفاوت با آموزه های دینی و بلکه ضد دینی به حساب می آمد. حاذقه و پروین اعتصامی نیز تمام دلیل این بدبختی زنان را آداب و رسوم های نادرست که در جامعه هردو شاعر حاکم بوده بیان کردند. اما می توان گفت. چنان که از اشعار این دو شاعر معلوم میشود، این آداب و رسوم ناصواب در هر جامعه از لحاظ کمیت و کیفیت متفاوت بوده. چون تعداد اشعار پروین در مورد آداب و رسوم نادرست جامعه اش، کمتر از حاذقه هروی می باشد. بنآ این خود نشان می دهد که در جامعه وی، آداب و رسوماتی نادرستی که مانع آموزش زنان باشد ازبین رفته یا خیلی اندک بود.

مساله تبعیض در نوع پرورش دختران و پسران در خانواده پدرسالار افغانستان امر کاملا فراگیر و نهادینه شده بود. والدین در خانواده ها با برخورد دوگانه با فرزندان پسر و دختر، نخستین پایه های تبعیض را که عبارتند از اولویت دادن حق آموزش، حق انتخاب همسر وغیره پایه گذاری می نمود و از همان تولد، تولد پسر شادمان و با تولد دختر غمگین می شدند. زیرا به این نگاه که پسر عضو دایم خانواده، اما دختر مال مردم می باشد که همیشه زن به دید جنس دوم دیده می شد . می توان گفت این فرهنگ انقدر عمیق بوده که تا همین دهه اخیر، از بین مردم افغانستان ناپدید نگردیده است. دلیل این تبعیض و عقب ماندگی زنان، عقاید نادرست و مردسالاری را می توان بی سواد و جهل که در جامعه در بین مرد و زن حاکم بود، دانست. وی نقش خانواده را بر آگاهی دختران بیشتر مس دانسته چنان که حاذقه نیز این واقعیت اجتماعی را در قالب شعر این گونه، ترسیم کرده است:

ای دختر با توان و ای صاحب دین خود را به خرافات از این بیش مبین

بشتاب که مکتب به تو آواز کند زین بیش زغم، به زیر پرده منشین

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)

پدرم جاهل و بی‌تربیت و علم و ادب آرزومند پلو، جاه‌طلب، عیش و طرب

فخر دارد به کلانی و آبا و نسب من که بی‌علم شدم نیست به این کار عجب

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

تو ملامت مکنم زانکه مرا نیست گناه من ز دست پدر جاهل خود گشته تباه

پدرم جاهل و نیز شدم قلب سیاه عالمان نیز به ما هیچ نکردند نگاه

عاقبت تنبل و بیکاره و جاهل شده‌ایم بی‌ادب گشتیم و بی کاره و کاهل شده‌ایم

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

ای پدرها فکر خوبی منتخب باید نمود طفل‌ها را در معارف باادب باید نمود

دختران را کوچه گردی و جهالت قاتل است ننگ و نامی از برایشان طلب باید نمود

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۵)

پروین بیشتر درباب آداب و رسوم نادرست جامعه سنتی ایران که باعث ستم و ظلم های بر زنان در طی سال های گذشته، روا داشته شعر سروده تا اینکه از زمان حال خودش. بنابر این می توان گفت که مشکلاتی زمان خود پروین انقدر حاد نبوده و بیشتر مربوط تجمل گرای زنان می شده تا خانواده. چنان که در اشعارش درباره منع آموزش دختران از طرف خانواده یادآوری کرده است. برعلاوه پروین از خانواده مرفه و با سواده بوده و در جمعی از خانواده های مرفه بزرگ شد. این مسئله را میتوان دلیل ان دانست که در شعر پروین به خلاف شعر حاذقه مسائل روزمره زنان کوچه و بازار کمتر دیده میشود. اشعار وی درباره رسوم نادرست در مورد زنان به شرح زیر است:

به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس، پسر هوشیار و دختر کودن است!

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی که نرخ جامه بهمان چه بود و کفش فلان

برای جسم خریدیم زیور پندار برای روح بریدیم جامه خذلان

نه بانو است که خود را بزرگ می شمرد به گوشواره و طوق و به یاره مرجان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می گذشت زن چه بود آن روزها، گر زانکه زندانی نبود

کس چو زن، اندر سیاهی قرنها منزل نکرد کس چو زن، در معبد سالوس، قربانی نبود

از برای زن، به میدان فراخ زندگی سرنوشت در قسمتی، جز تنگ میدانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره اند؟ نام این قوم از چه دور افتاده از هر دفتری؟

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸،۴۵۹)

**خوانش متحجرانه از دین**

حاذقه هروی از لحاظ اعتقادات دینی پابند و متحد به دین بود و به خوبی از دین آگاهی داشته و دین را یگان راهی برای ازبین بردن جهل می دانسته، اما مخالف دیدگاه متحجرانه دینی بود. چنان که جامعه افغانستان یک جامعه دینی و بیشتر متکی به علما دین بود. حاذقه با استناد از آیه و حدیث علما را مورد انتقاد قرار می دهد. می‌گوید وقتی خداوند فرموده است (و لقد کرمنا بنی ادم)[[4]](#footnote-4) این کرامت را شامل مردان و زنان که ابنای آدم‌اند می‌داند.پس چرا اجاز آموختن را دخترها ندارد؟.

 هیچ تردیدی وجود ندارد که از عوامل عمده و اساسی ظلم درحق زنان و مانع بزرگ برای حضور در اجتماع و آموزش زنان در جامعه، قرائت های متحجرانه از دین بود. هم استبداد حاکم بر جامعه و هم رسومات و عنعنات قبیله ای رایج در کشور را توجیه دینی می نمود. بیشترین نقش را در تحکیم نگاه کم بینانه نسبت به زنان و چالش های زنان داشته است. برعلاوه مردسالار بودن جامعه افغانستان، بد بین بودن مردم نسبت به مدرنیته و اصل تحصیلات جدید به عنوان علوم سکولار و ضد دینی، باعث مخالفت آموزش و آگاهی دختران بود. این امر را در اشعار حاذقه نیز به وضوح بیان شده. به شکل ماهرانه با تبیین منطقی و عقلانی از باورها و احکام اسلام، آن را بیان کرده، دین را از خرافات و عنعنات قبیله ای و اتهامات ناروا دین ستیزانه تبرئه نموده است.

مردمان دین طلب تکیه به ایمان کرده‌اند نام خود را در جهان زنده، افغان کرده‌اند

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۴۰)

نیست در مذهب ما جهل روا فتنه دهر بود جهل به ما

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۷)

علم فرض آمد به نسوان به مرد آن در حدیث پس چرازین حکم محکم بی‌خبر مانده اناث

نیست با نسوان به‌جز علم و عمل راه نجات تا به کی از بی کمالی دربه‌در مانده اناث

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۲)

ای چرا نسوان ز ادراک معانی بی‌خبر در نهالستان باغ زندگانی بی‌ثمر

دین ما اسلام و راه ما طریق مصطفی پس چرا از قول پیغمبر تمامی کور و کر

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۵۲)

می‌شود دانا اگر زن‌ها، شریعت را چه نقص فکر کن ای مرد دانشور بشو همکار زن

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۱۳۱)

عالمان یا رب چرا از علم نسوان خائفند نیست یک فردی که باشد ساعی و غمخوار زن

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۱۳۲)

پروین اعتصامی نیز دارای اعتقادات دینی محکم و آگاه بود. اما جامعه پروین نسبت به جامعه حاذقه مدرن تر بود، این معضل متحجرانه دینی تا حدود حل گردیده بود.کم تر مردمانی بودند که در این زمان مانع آموزش دختران باشد اما در دوره قبل از پروین این معضل وجود داشته، چنان که وی به شکل انتقادی از اوضاع گذشته اش بیان می کند. این نشان می دهد که در دوره قبل از پروین نگاه کم بینانه به زنان از طرف دولت و علما دین وجود داشت. زنان، فرصت و امکان و اجازه ی آموزش را نداشتند. بنابر این جمعیت کثیر زنان، بی سواد و بی دانش باقی مانده بود. اما برای ازبین بردن این عقاید، برابری در آموزش زنان ومردان می داند. یاد آور می شود که در هیج جا آموزش زنان منع نشده است. زن و مرد یکسان و هر دو رهرو راه هستی می باشد. همچنان پروین با وجود تاکید بر عفت، پاکی و تقواد و تنها پوشش ظاهری که از اصول های زنان سنتی بود، را برای حفظ ارزش های انسانی و مسلمانی زن کافی نمی داند. این نشان دهنیده این است که پروین همانند حاذقه هروی در کنار این که به اصول های سنتی بودن احترام قایل بوده، مدرن شدن زنان که به دید وی آگاهی، آموزش، برابری در جامعه، مشارکت در مسايل سیاسی را نیز خواهان بود.

به هبچ مبحث و دیپاچه ای، قضا ننوشت برای مرد، کمال و برای زن، نقصان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری بر نکرد از ما کسی زین خواب بیدردی، سری

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۴۵۹)

در عدالت خانه انصاف، زن شاهد نداشت در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود

داده خواهی های زن می ماند عمری بی جواب آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۹۰)

ارزش پوشنده کفش و جامه را ارزنده کرد قدر و پستی، با گرانب و به ارزانی نبود

سادگی و پاکی و پرهیز، یک یک گوهرند گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۹۱)

اما یگانه راه حل این معضل، اگاهی یافتن زنان از حقوق شان می دانند، که فقط از طریق آموزش محقق می شود. تعلیم و تربیت علاوه بر اینکه یک امر ارزشی و فریضه دینی می باشد. موجب کمال انسان و تقرب او به خداوند متعال می گردد. دفاع از حقوق زنان و ارایه راهکارهای موثر در جهت رسیدن به جایگاه و حقوق شان علاوه بر آن یک نیاز اجتماعی و سیاسی است، یک واجب دینی و وظیفه انسانی نیز می باشد. لذا ارائه راهکار های موثر جهت حل مشکلات زنان همان گونه به سود جامعه نسوان است، به نفع اندیشه اصیل دینی نیز می باشد. این موضوع را حاذقه نیز تاکید فراوان کرده و آمیدور به باسوادی دختران بود. که به شکل نمونه چند میسر شعر شان را ذکر می کنم.

آبرومندی به نسوان غیر عرفان هیچ نیست هر که را نبود ادب از نوع انسان هیچ نیست

با نسوان به جز علم صناعت رهبری راه بهبود به جز این نیست فکر بهتری \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

گر دختران به درس یکجا نشوند هرگز به خدا مادر فردا نشوند

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۸)

ما را به ره دین، کسی تبلیغ نکرد محبوس نمودند زنان را به قفس

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۳۲۲)

ای دختر باخرد مشو خواب دگر از جهل و ندم مباش بی‌آب، دگر

زن‌ها همه دانا و خردمند شدند ایام جوانی نشود چاپ دگر

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۰)

 تا نخوانند به مکتب، ننویسند کتاب خود را با ادب و فهم و سخنور نکنند

نه دین راه بیابند و نه به دنیا یابند تا که از روی ادب خدمت داور نکنند

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۴۰)

خوشا روزی به مکتب بچه و دختر کند بازی چو شیر اندر میان جام با شکر کند بازی

شود آزاد نسوان، مملکت از وی جوان گردد وطن اندر فضا، با دانش اختر کند بازی \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۱۸۰)

تربیه گر می‌شود زن از علوم و معرفت می‌کند سبقت ز هر کس، دانش افکار زن

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۳۱)

پروین نیز به همین عقیده است که بیشترین مانع آموزش زنان، ناآگاهی جامعه گذشته و عادات و رسوم پست می باشد. که بخشی از همت و اهتمام خود را صرف آگاهی دادن زنان به شایستگی های راستین شان نمود. به این عقیده بود که زنان در طول سده های گذشته علاوه بر آنکه از فضیلت کسب دانش و هنر و نیز حضور فعال در عرصه ی اجتماع محروم بودند. باعث غفلت آنان از فضایل و خوبی ها و نیز انحراف از مسیر حیات طبیعی شان شده است. بیشتر به طرف تجمل گرای زنان گردیده تا به آموختن علم و دانش. تنها راه حل این مشکل، آگاهی زنان می داند. می گوید: داشتن شایستگی و لیاقت و نیز علم و دانش شرط برتری زنان است، نه داشتن زیور های ظاهری.

نور دانش را ز چشم زن نهان می داشتند این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود

زن کجا بافنده می شد، جای نخ و دوک هنر خرمن و حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود

میوه های دکه دانش فراوان بود، لیک بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۹۰)

بهر زن، تقلید، تیه و فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن، کو رهش این راه ظلمانی نبود

آب و رنگ از علم می بایست، شرط برتری با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود

جلوه صد پرنیان، چون یک قبای ساده نیست عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۹۱)

**نقش آموزش در هویت بخشی به زنان در شعر حاذقه و پروین**

زنان اساسی ترین عنصر بنیادین جامعه، را تشکیل می دهد و نقش بسزایی در شکل گیری شخصیت و رفتار جامعه دارد. اگر زنان جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خداوند برای همه انسان ها به طور یکسان در نظر گرفته دست یابند. تاثیر پذیر و تربیت پذیری انسان ها، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد. محیط خانواده گرم تر و با صفاتر بود و جامعه پیشرفت و توسعه می یابد. چون فرزندان آینده در دامن آنها بزرگ می شود. حاذقه هروی با تایید این مطلب، زنان را مادر یا دختر، همسر مطرح کرده و بیان نموده که زنان در کنار مردان با داشتن قدرت خرد و تعقل و دانش و تخصص می تواند عامل تکامل و تغییر اجتماعی گردند. زنان و دختران را به آموزش علم و دانش تشویق می کند.

دخترک عاقل و دانای من مادر دانشور فردای من

هست وطن منتظر کار تو بیش ز هر فرد طلبگار تو

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۹۸)

ای دخترک عزیز با عصمت من ای مادرک رشید باعفت من

خود را به معارف آشنا کن همه‌وقت ای مونس دل شفیق باهمت من

 ...

ای دخترکان ماه‌سیمای وطن ای غنچه نهال باغ فردای وطن

فردا ز شما شود وطن آبادان گردیده همه، عاقل و دانای وطن

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۴)

چون تو به فردای وطن مادری به همه افراد وطن خواهری

آتیه اولاد به آغوش توست ننگ وطن با تو و با دوش توست

با صف دشمن تو شوی حمله‌ور از اثر علم شوی نامور

 \*\*\* (حاذقه هروی،۱۳۹۸:۱۹۹) مردان باوقار بود یادگار زن در زندگی همیشه بود کامگار زن

دانش صفت همیشه بود در کنار زن باشد به حرف و گفته و با اختیار زن

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۲۶۹)

شود ایجاد مکتب، دختران کامل شود شامل چو معشوقی که پیش یار افزون‌تر کند بازی

به انجین خانه‌ها دختر شود با بچه‌ها همکار بسازد موتور و طیاره با رهبر کند بازی

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۸۱)

پروین اعتصامی ضرورت آموزش دختران را در جهت ایفای بهتر نقش اجتماعی زنان که در آینده به عهده خواهند گرفت، می دانست. زنان با آموزش میتواند به جایگاه واقعی اش نزدیک شده، توانایی عقلی آن ها پرورش یایبد. تکالیف خود را در جامعه و خانواده پی بیبرد. تاثیر پذیری انسان ها باعث می شود که این تکامل مادران به فرزندانشان، که مردان آینده جامعه و جهان است، تاثیر بگذارد. چنان که پروین، مقاله یی « زن و تاریخ» را که در جشن فارغ التحصیلی اش ارایه کرد. نقش زنان در توسعه و انحطاط جامعه، ظلم های که از طرف مردها به زنان صورت گرفته بود، بیان کرد. اشاره به روزگاری تاریک، اندوهبار و همراه با رنج و مشقت و سرشار از مذلت و اسارت زنان مشرق داشته اند. که این بی توجهی زندگی نیمی از جمعیت مشرق زمین ضایع شده است. مادران نادان، فرزندانی بی دانش پرورش دادند. لاجرم، اسباب تباهی و تیره روزی مشرق زمین را فراهم آوردند. وی تنها راه نجات و درمان از این تاریک و تباهی را منحصر به تعلیم و تربیت زن و مرد و تمام طبقات جامعه می داند. همچنان در اشعار خود به نقش زنان و نقش آموزش زنان در جامعه با ذکر مثل بیان می کند:

در آن سرای که زن نیست، انس شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

زن از نخست بود رکن خانه هستی که ساخت خانه بی پای بست و بی بنیان

زن ار به راه متاعب نمی گداخت چو شمع نمی شناخت کس این راه تیره را پایان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ یکیست کشتی و آن دیگریست کشتی بان

توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود طبیب بود و پرستار و شحنه و دربان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

همچنان حاذقه برعلاوه نقد بر جامعه مردسالاری و نگاه تحقیرآمیز جامعه و مردان بر زنان به نقد رفتار زنان نیز می پرداز نمیگذارد که اشعارش تنها فضای غالب با مدح و ستایش زنان با­­­­­­شد، حاذقه رفتار زنان و تنبلی شان را به شکل لطیف همچون که روح زن لطیف و مهربان است، مورد نقد قرار می دهد،

ای دختر باکمال و با علم و هنر ای نور دو چشم عزت و ناز پدر

بگذار جهالت، به معارف بازآی تا آن‌که شوی ز کیف آینده، خبر

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۰)

امروز که از علم و عمل خسته شوی فردا چو یکی دختر­ دانسته شوی

از رنج و غم زمانه آزاد شوی از طعنه خویش و آشنا رسته شوی

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۲۵)

پروین نیز همانند حاذقه از­ پشت کردن به فضایل و علم و دانش، خود پرستی به جای خردورزی و تلاش نکردن برای کسب دانش را به شکل خشن تر از حاذقه انتقاد می کند. شرط برتری زنان و مردان را در شایستگی و لیاقت و نیز علم و دانش گفته است.

خرد گشود چو مکتب، شدیم ما کودن هنر چو کرد تجلی، شدیم ما پنهان

بساط اهرمن خود پرستی و سستی گر از میان نرود، رفته ایم ما ز میان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۹)

ز اتش جهل، سوخت خرمن ما گنه برق و افتاب نبود

سال و مه رفت و ما همی خفتیم خواب ما مرگ بود، خواب نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۷۲)

از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن؟ زیور و زر، پرده پوش عیب نادانی نبود

عیب ها را جامه پرهیز پوشانده است و بس جامه عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

چه زن چه مرد، کسی شد برزگ و کامرو ا که داشت میوه ای از باغ علم در دامان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

**تاثیرات بی‌سوادی بر زنان از دیدگاه حاذقه و پروین اعتصامی**

 زن از دیدگاه این دو شاعر پایه جامعه و خانواده می باشند، نقش بسیار مهم و حیاتی در سلامت روانی جامعه و خانواده دارد. این ها نشان دهنده زنان سنتی است که هردوی شاعر به آن پرداختند. چنان که آنها تاکید زیادی به نقش همسر بودن، مادر بودن و تربیت کردن فرزندان به عهد مادر، نموده است. چنان که حاذقه با توجه به نقش اساسی زن در سلامتی، موفقیت و یا شکست خانواده و جامعه و با توجه به نیازهای روانی، عاطفی، جسمانی و معنوی‌شان و تأثیر علم بر آن را موردبحث قرار داده است. حاذقه زنان بی‌سواد را ازلحاظ روحی و روانی موردبررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که انسان یک موجود اجتماعی می باشد. پس زمانی که نتوانند در جامعه در بین جمع باشند. از شرایط و مشکلات جامعه اطلاع و تحولات و تغییرات جامعه و جهان آگاهی نداشته باشد. این باعث می شود زودتر به افسانه های خرافاتی هم داستان شوند. تمام برتری را در آراستگی ظاهر، خوراک و پوشاک دانند. حاذقه با تمام جزئیات به تاثیر بی سوادی زنان در زندگی مشترک و خانوادگی بیان میکند:

دختران اگر قید باشند مثل مادر می شوند از نماز و روزه و حج و شهادت بی خبر

نهضت نسوان بود حتمی به خاک مملکت زانکه نسوان است بی دانشی اندر سقر

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸، ۵۳)

زینت زن نبود غیر ادب چیز دیگر دانش آموز زنان، میل زیور نکنند

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۴۰)

بیکاره زنان بدشکم بسیار است از بدشکمی تا سحر بیدار است

با (چی بخورم) همیشه در جنگ جدل در حفظ حیات خویشتن بیعار است

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۶)

عاری از علم و ادب بوالهوس و بی‌معنا لچر و حیله‌گر و پرخور و پرناز ادا

تنبل و جاهل و بی باصره و بی‌تقوا جز به تزيین سروصورت خود نیست رسا

این‌چنین زن به بلا تا ابد باد دچار غم این طایفه خوردن بود از عقل فرار

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۷۱)

مردی که شود خانم نادان زن او آلوده شود به گندگی دامن او

بی‌آب و شرف شود به مخلوق خدا گلخن شد از جفای او مسکن او

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۳۲۴)

مردی که زنش لایق و دانا نبود دانسته و هوشمند و خوانا نبود

باشد به میان آتش نار سقر در خانه او به غیر غوغا، نبود

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۳۱۸)

مرد که بخیل و سخت نادان باشد با دوش زن عاقله تاوان باشد

آن خانه بود به زن به مثل شب تار محبوس به آن گوشه زندان باشد

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۳۱۹)

مرد و زن هردوی شأن جاهل و هم‌کاسه گدا مرد بیکاره، زنش مثل وی از علم، جدا

لیک در معرکه یاوه سرایی دانا روز تا شام به جنگ و جدل و غوغا

 \*\*\* (حاذقه هروی، ۱۳۹۸:۲۷۱)

هرچند پروین با آن جزایاتی که حاذقه در مورد بی سوادی زنان و تاثیر آن در جامعه و خانواده پرداخته، نپرداخته است. اما او با توجه به علم و دانش، نقش مادر و تأثیر مهم وی در تعلیم و تربیت فرزندان، پرداخته است. زن را نخستین مربی و معلم انسان دانسته، بزرگی و والایی شخصیت هایی که مشهور شده اند، نمودار بزرگی زنانی است که آنان را پروده اند. پس چگونه از جامعه که زنان آن‌ها بی‌سواد و نادان و جاهل است فرزندان سالم و جامعه سالم توقع داشت. چنانکه در شعراش بیان می کند:

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر؟ نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان؟

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۷)

اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت به جز گسیختگی جامه ی مردان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

چو آب و رنگ فضلیت به چهره نیست چه سود ز رنگ جامه زربفت و زیور رخشان؟

برای گردن و دست زن نکو، پروین سزاست گوهر دانش، نه گوهر آلوان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸:۲۳۷)

اگر فلاطن و سقراط بوده اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گوهراره مادر، به کودکی بس خفت سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه شدند یک سره شاگرد این دبیرستان

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸، ۳۳۷)

چنان که پروین در شعر« نهال آرزو» از زنان می خواهد که با علم آموزی، حقوق از دست رفته خویش را به دست آورند.

**پوشش از دیدگاه حاذقه هروی و پروین اعتصامی**

یکی از تنش های که باعث بد بینی مردم به مدرنیته بودن زنان شده بود، پوشش بود که از طرف حکومت های آن زمان در این دو کشور مطرح شده بود. در ایران و افغانستان بیشتر برای مردم مدرن بودن زنان را نظر به پوشش و حجاب زن مطرح شده بود. بنابرین مردم فکر می کردند که مدرن بودن همان بی حجابی است. چنان که در بالا یاد کردیم که بیشترین تاکید این دو شاعر علم و آموزش زنان بود. تا از آن طریق بتواند جایگاه اصلی خود را در جامعه پیدا کند.

هر چند از مهمترین اصول سنتی که حیا و عفت بود، مورد قبول هردو شاعر قرار داشت. اما دیدگاه این دوشاعر درباره پوشش زنان نیز آزاد است چنان که حاذقه بیشترین تاکید را برای رفع حجاب نقاب دار در آن زمان رواج بود، نموده است. وی به شکل واضح حجاب را معیار برای دین داری و عفت حیا نمی دانست:

با حیا می باش و پرده از رخ خوبت بکش از قفس بیرون شو و بی باک و با همت بیا

(۸)

که داند زیر چادر چیست ما را نگیرد گر خدا از ما حیا را

(۲۰۶)

معنی شرط حجاب اخلاق و شرماست وحیا گر نباشد این چنین، چادر شود بازی شر

(۵۳)

حسن و قبح زن به چادر نیست ای دانش پسند زانکه پنهان است زیر چادر ما صد هنر

دختران گر قید باشند مثل مادر می شوند از نمازه و روزه و حج و شهادت بی خبر

نهضت نسوان بود حتمی به خاک مملکت زانکه نسوان است از بی دانشی اندر سقر

(۵۳)

ظاهر به حجاب و باطنا گنده غلط با نیم نگاه خویشتن، خنده غلط

با بی پدران بی ادب در غم پول تسلیم همیشگی چو یک بنده غلط

)۳۲۲(

حاذقه در عموم حجاب و چادری که داری نقاب می باشد دور از فرهنگ افغانستان می داند و به شدد آن را منع می کند:

چرا باشم چنین بندی به زندان چرا از خوف می باشم هراسان

چرا محجوب چون محجوبه باشم به رنگ خویشتن زرد چوبه باشم

بود افغان به نسل خویش آزاد از این بی دانش صد داد و بیداد

همه گژدی نیشن و مالدارند کجا یک خانمی را حبس دارند

کجا روبند و چادر دارد ایشان کجا محنت ز شوهر دارد ایشان

کجا بندند با رخ پرده قید کجا شیطان کند با هر یک کید

ملامت ما و اهل شهر باشیم به خود هر روز اسبابی تراشیم

)۲۰۶(

پانزده میلیون نفوس ما به دشت و کوهسار خانه بردوشند بی چادر به مثل شیرنر

نسل افغان از زمان فعل ماضی تا به حال همچنین بودند بی چادر بهر کوه و کمر

)۵۳(

پروین نیز به همین عقیده بود که حجاب و پوشش ظاهری دلیل بر عفت و حیا داشتن نیست. چنان در شعر«زنان ایران» اینگونه بیان می کند:

عیبها را جامه پرهیز پوشانده است و بس جامه عجب و هوی، بهتر ز عریانی نبود

چشم و دل را پرده می بایست اما عفاف چادر پوسیده بنیاد مسلمانی نبود

خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار ورنه در این کارسخت، امید آسانی نبود

 \*\*\* (اعتصامی، ۱۳۸۸: ۲۹۰)

از جمله تغییراتی که در زمان این دو شاعر کشف حجاب بود، اما هیچ شعر برای محکوم کردن این اصلاحات در اشعارشان وجود ندارد.

**نتیجه گیری**

حاذقه هروی و پروین اعتصامی در مورد هویت زنان در بخش های زیادی نگاه مشترکی دارند. نخست انکه در سنت هر دوکشور اصول اخلاقی وجود دارد که التزام به ان هم حافظ زنان بوده و هم برای جامعه ضروری است. اما در عین حال خوانشی در این جوامع وجود دارد که انها از کسب امر واجبی چون آموزش محروم میکند. هر دو بر این نکته تاکید دارند که آموزش مدرن برای زنان میتواند جایگاه آنها را متحول سازد و خود آگاهی بیشتری در مورد خود و جامعه به انها بدهد. با این وجود آنچه که از این مقایسه با مصادیق متعدد قابل بیان است این است که این بحران هویتی(خوانش متحجرانه و بی هویتی مدرن) برای جامعه افغانستان بیش از ایران بود. حاذقه در اشعار زیادی با جزئیاتی عینی به این نکته اشاره دارد که بیان گر تفاوت فاحش در پیشرفت دو جامعه است. پروین اعتصامی به این موضوع توجه دارد اما باید بیان داشت در بافت اجتماعی پروین این مسئله هم به خاطر نگاه مذهبی شیعیان نسبت به نگاه سنیان افغانستان کمتر چالش برانگیز است و وضعیت اصلاحات در ایران به مراتب بهتر از افغانستان بود. علاوه بر آن در زمینه های شخصی پروین زنی بافرهنگ و با سواد از طبقه ممتاز اجتماعی بود در حالی که حاذقه زنی از ضعیفترین قشر جامعه افغانستان به شمار میرفت و مشکلات جامعه را به عینه میدید. اما این امر برای پروین کمتر مصداق داشت. دغدغه های پروین بیشتر ناظر به مشکلات سیاسی آنها هم در سطح بالای جامعه و در لفظی فخیم و ادبی است. در حالی که اصلاحات ایدئال حاذقه ناظر بر مردم پایین جامعه و با لفظی عامیانه است. این مقایسه خود به بهشی از تفاوت زمان کیفی در دوجامعه فارسی زبان اشاره دارد. هر چند هر دو شاعر در زمانی کمی تقریبا یکسانی میزیستند.

**منابع**

قرآن کریم

اسعدی فیروزآبادی، مریم السادات.(۱۳۹۲). خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی. فصلنامه علمی پژوهش زن و فرهنگ. شماره ۱۷. ۲۱-۴۰

اعتصامی، پروین.(۱۳۸۸). دیوان پروین اعتصامی. قم: انسانکده.

انوشه، حسن(۱۳۷۸). دانشنامه ادب فارسی، ج۳. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام: سازمان چاپ و انتشارات

جاوید، دین محمد.(۱۳۸۱). زن در تاریخ افغانستان. کابل: بی نا

جعفری، زهره، نصرتی، عبدالله.(۱۳۹۴).مقایسه ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی. بهارستان سخن( فصلنامه علمی و پژوهشی ادبیات فارسی). شماره ۲۸.

حاذقه هروی، کشور.(۱۳۸۹).دیوان حاذقه هروی. عفت مستشارنیا، تهران: امید رهاوی

ذلفقاری، ابوالفضل، میرزایی، مسلم(۱۳۹۰). نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌ی پروین اعتصامی. زن در فرهنگ و هنر( پژوهش زنان). شماره ۳. ۱۹- ۳۵.

سادات حسینی، مهناز.(۱۳۹۴). جنسیت در شعر پروین اعتصامی. فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ. شماره ۲۶. ۵۵-۶۴.

السادات میرهادی، منیر.(۱۳۹۳). تجدید نظرطلبی در جایگاه زن: تجلی اندیشه مشروط خواهانه اعتصام الملک در اشعار پروین اعتصامی. مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۲۱.

سید رضایی، طاهره.( ۱۳۸۹).زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد. مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلام، واحد فسا. شماره ۱.

سیفی، محسن، اسدی پور، علی، اسماعیلی، سجاد.(۱۳۹۳). نقد تطبیقی آزادی زنان در اشعار سعاد الصباح و سیمین بهبهانی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. شماره ۲۲. ۴۱-۵۵.

شادمانی شاه حسینی، مهری.(1384). زنان شاعر پارسی گوی؛ هفت شهر عشق. تهران: مدبر.

 صادقی گیوی. مریم، پرهیزکاری، بهاره.(۱۳۸۹). تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی. فصلنامه علمی و پژوهشی( پژوهش زبان و ادبیات فارسی). شماره ۲۰. ۲۰۷-۲۲۷.

عطا.(۱۳۶۵). زنان سخنسرا در پویه ادب دری. کابل: مطبعه دولتی

 غبار، میر غلام محمد(۱۳۷۸). افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم. ایالات متحده امریکا: مرکز نشراتی میوند- سبا کتابخانه.

کامگار، جمیل الرحمن(۱۳۸۲). تاریخ معارف افغانستان. کابل: انتشارات میدند.

محسنی(حکمت)، محمد آصف.(۱۳۹۰). زنان در افغانستان «فرصت ها، چالش ها و راهکارها». قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی

مرادی، فاطمه، سمیع زاده، رضا(۱۳۹۲).ضرورت تعلیم و تربیت زنان در اندیشه پروین اعتصامی و قاسم امین مصری، مطالعات ادبیات تطبیقی. شماره ۲۸. ۱۰۱-۱۲۶.

مشیرسلیمی، علی اکبر.(۱۳۳۷). زنان سخنور از یکهزار سال پیش تا امروز که بزبان پارسی سخن گفته اند. ج سوم، تهران: مطبوعاتی علی اکبر علمی.

 موسوی، دکتر سید علی(۱۳۸۸). تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهر شاه تا کرزی. بی جا.

میرشاهی، مسعود(۱۳۷۹). شعر زنان در افغانستان. پاریس: خاوران.

 ناصری داوودی، عبدالمجید.(۱۳۷۹). زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

هدایت، محمود.(۱۳۵۳). گلزار جاویدان،ج۱. تهران: زیبا.

1. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه بین المللی اهل بیت تهران [↑](#footnote-ref-1)
2. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه بین المللی اهل بیت تهران [↑](#footnote-ref-2)
3. ز.ک. کامگار، ۱۳۸۲: ۴۸-۶۹ . [↑](#footnote-ref-3)
4. اسرار: ۷۰ [↑](#footnote-ref-4)